

صنعت نفت جهان در دهه ۱۹۸۰

طی ده سال گذشته کمتر صنعتی مانند صنعت نفت جهان دستخوش چنین تغییرات سریعی شده است. در خلال این دهه، در شرایطی که تحت آن شرکتهای بین‌المللی نفت، نفت خام و بازرگانی آن را در اختیار داشتند، تغییرات بنیانی و اساسی رخ داده است. علاوه بر تغییرات به وجود آمده در بخش اکتشاف و استخراج نفت خام، دو جهش ناگهانی در قیمت نفت خام، شرایط عملیات پالایش و توزیع را نیز به شدت دچار دگرگونی ساخته است. پس از سال ۱۹۷۹، کاهش تقاضای نفت در جهان، شدیدتر از کاهش کل تقاضای انرژی بوده است، که این امر بسیار کاهش اهمیت نسبی نفت در اقتصاد انرژی است. این وقایع فرایند وسیعی از تعدیلات را در صنعت نفت به وجود آورده که، احتمالاً در آینده هم ادامه خواهد یافت. صنعت نفت با یک مسئله دوگانه روبروست: از یک سو، تحت فشار ناشی از رقابت شدید، با چار به کاهش ظرفیتهای پالایش، حمل و نقل و بازاریابی خود است و از سوی دیگر می‌باید، منابع پولی قابل توجهی را جهت بازاریابی منابع نفتی از دست رفته خود در کشورهای صادرکننده نفت و طراحی مجدد پالایشگاهها به منظور پاسخگویی به الگوهای تقاضای تغییر یافته، سرمایه‌گذاری کند. هر عاملی در بازار نفت جهت تضمین بقای خود، باید خود را با شرایط جدید استخراج، تولید، پالایش و بازاریابی نفت (در جهان) تطبیق دهد.

برگال جامع علوم انسانی

به منظور ارزیابی پیشرفتهای ساختاری اخیر در این صنعت و همچنین فراهم کردن زمینه‌ای جهت بررسی روندهای آینده، مرور حوادث دهه گذشته مفید خواهد بود. ابعاد با اهمیتی از این تغییرات ساختاری را با مقایسه پیشرفت عملیات اکتشاف و تولید نفت خام و پالایش و توزیع آن، توسط هفت شرکت عمده بین‌المللی نفت (که اغلب شرکتهای عمده خطاب می‌شود^۱)، که هنوز حجم بسیار قابل توجهی از این صنعت را تحت سلطه دارند، می‌توان به خوبی مشاهده کرد. با این حال، تغییرات به وجود آمده در بقیه صنعت نفت با اهمیت است و هر کجا که لازم باشد مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد.



۱ - شرکتهای مبرور، عبارتند از: اگزان، موبیل اویل، تکراکو، سوکال (شورون) گلف اویل،

رویال داچ شل و بی پی.

شرایط جدید

از اوائل دهه ۱۹۷۰، به نحو روزافزونی کشورهای تولیدکننده و صادرکننده نفت خام در جهان، به عنوان مالک و تولیدکننده (این ماده) جانشین شرکتهای بین‌المللی نفت شده‌اند. از دست رفتن سهمیه شرکتهای بین‌المللی در تولید نفت کشورهای صادرکننده نفت در دهه ۱۹۷۰ تغییر اساسی و پایداری برای این شرکتها بود. با لغو سیستم اعطای امتیاز استفاده از نفت، قدرت بازار، کنترل تولید و قیمت‌گذاری بخش عمده‌ای از نفتی که در جهان دادوستد می‌شد از دست شرکتهای بین‌المللی نفت خارج شده، و به دولتهای حاکم در کشورهای تولیدکننده نفت منتقل گردید.

این امر، ارتباط میان عملیات مربوط به اکتشاف و استخراج و عملیات مربوط به پالایش و توزیع نفت را از هم گسست. اگر چه، حدائی ایجاد شده در خلال سالهای کمبود عرضه در بازار نفت (سالهای ۱۹۷۹/۸۰) به سود کشورهای تولیدکننده نفت خام عمل کرد، اما، مازاد نفت خام به وجود آمده متعاقب این دوره، تلاش این کشورها را جهت ایجاد هماهنگی میان قیمت‌گذاری و سیاستهای مربوط به تولید نفت خام از یک سو، و تقاضای جهانی آن از سوی دیگر، پیچیده ساخت. عدم ادعای عملیات اکتشاف و تولید با عملیات پالایش و توزیع نفت خام مورد دادوستد در جهان، کشورهای تولیدکننده نفت، به ویژه کشورهای عضو اوپک (سازمان کشورهای تولیدکننده نفت) را مجبور کرده است تا لطمات ناشی از کاهش تقاضای جهانی نفت را متحمل شوند و به تولیدکنندگان (ناآمن‌کننده، نهائی نفت^۲) - (Swing Producer) مبدل گردند. در حالی که سهم کشورهای عضو اوپک در تولید نفت جهان (عبارت تولید کشورهای کمبوست) در سال ۱۹۷۳، ۶۵ درصد بود، این سهم در سال ۱۹۸۳ به ۴۰ درصد کاهش یافت.

سهمیه خرید و برداشت نفت توسط شرکتهای عمده، بین‌المللی نفت نیز طی سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲ به میزان ۱۸/۸ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. یعنی، در حالی که حجم سهمیه و شیه سهمیه، شرکتهای بین‌المللی نفت در کل نفت خام موجود در جهان سال ۱۹۷۳، ۲۵/۵۰ میلیون بشکه در روز یا ۸۵٪ کل نفت جهان بود، در سال ۱۹۸۳، این رقم تنها به ۶/۷ میلیون بشکه در روز یا ۴۳ درصد نفت خام قابل دسترسی در جهان کاهش یافت (جدول شماره یک). علی‌رغم آن که شرکتهای بین‌المللی نفت سعی کردند سهمیه نفت از دست رفته، خود در کشورهای تولیدکننده نفت را با خرید نفت خام حبران نمایند، مآلاً در سراسر دوره دهساله گذشته، از کل نفت خامی که در اختیار داشتند، ۱۴/۸۰ میلیون بشکه در روز کاسته شده که این رقم معادل $\frac{4}{5}$ سهمیه نفت از دست رفته آنهاست.

نوسعه، صنعت نفت پس از سال ۱۹۸۰ را باید در رابطه‌ای متقابل با کاهش تقاضا و ظرفیت تولید مازاد ایجاد شده، متعاقب آن که منجر به ناپایداری قیمتتها شد، مورد بررسی قرار داد. طی سالهای ۱۹۸۰

☞

۲ - این اصطلاح معمولاً در مورد تولیدکنندگانی به کار می‌رود که با توجه به ظرفیتهای تولیدی مازاد خود، به مجرد خروج تولیدکننده‌ای از بازار جای آن تولیدکننده را پر نموده و نفت مورد نظر را تأمین می‌کنند.

تا ۱۹۸۲ عرضه نفت خام به شرکتهای نفتی باز هم بیشتر کاهش یافت، یعنی از ۱۹/۸ میلیون بشکه در روز به ۱۵/۲ میلیون بشکه در روز رسید (۲۲ درصد کاهش). اگر چه این کاهش هنوز از کاهش تولید نفت خام جهان (۱۴ درصد کاهش) بیشتر است، در حال حاضر، روند بیش از حد غیر عادی کاهش نفت خام در دسترس این شرکتها، در حال بازگشت به سطح متعارفی است.

کاهشهای اخیر، به دلیل محدود شدن میزان عرضه جهانی نفت به وقوع نپیوست، بلکه این کاهش به دلیل آن اتفاق افتاد که شرکتهای بین المللی نفت به دنبال کاهش عرضه مطمئن و ارزان قیمت نفت از کشورهای صادرکننده و سودآوری پایین بازار پالایش و توزیع، از حجم عملیات پالایشی و بازرگانی خود کاسته اند.

در نتیجه حذف شرکتهای عمده بین المللی به عنوان دادوستدکنندگان مسلط بر بازار نفت، کشورهای تولیدکننده نفت خام، اکنون با گروه وسیعی از خریداران کوچکتر وارد معامله می شوند. با تقلیل حجم قراردادهای، چنانچه بازار عرضه نفت با محدودیت روبرو باشد، خریداران از قدرت چانه زنی کمتری برخوردار هستند. از سوی دیگر، در شرایط وجود بازار عرضه نفت در بازار، کثرت تقاضا کنندگان، به نفع خریداران عمل خواهد نمود. بسیاری از کشورهای تولیدکننده نفت که در زمان کمبود نفت در سالهای ۱۹۷۹/۸۰، از نفت خریداران بزرگ (در فروش نفت خود) کاسته و طول مدت قراردادهای خود را نیز کوتاه تر کرده بودند، اکنون، ارزش حفظ روابط ثابت و بلندمدت با مصرف کنندگان عمده نفت را تشخیص می دهند.

عدم ادغام^۳ عملیات اکتشاف و تولید با پالایش و توزیع نفت خام مورد دادوستد در جهان، در حال حاضر نه تنها شرکتهای بزرگ، بلکه شرکتهای کوچک نفتی را نیز تحت فشار قرارداده است تا هزینه تأمین نفت خام خود را به سطح قابل رقابت در بازار بیاورند. در حال حاضر سستی بازار عملیات پالایش و توزیع در کشورهای مصرف کننده بلافاصله، به فشار بر قیمت نفت خام جهان تبدیل می شود.

مرایید امرایش دخالت دولت در صنعت نفت که با العای سیستم اعطای امتیاز استفاده از نفت در دهه ۱۹۷۰ شکل گرفت و به دنبال بحران ایران در سال ۱۹۷۹ تسریع شد، در خلال جنگ ایران و عراق، یعنی زمانی که آسیب پذیری معاملات مستقیم بین کشورهای تولید کننده و مصرف کننده نفت مشهود بود، دچار نکت گردید. به دور از تردیدهای مربوط به مسائل امنیتی، مداخله دولت از نظر دلائل اقتصادی همواره سؤال برانگیز بوده است. بسیاری از این ملاحظات هزینه های اضافی را به همراه دارد که بلافاصله

☞

۳- معمولاً به سازمان دادن عملیات مختلف در تولید کالاهای اقتصادی اداره واحد " ادغام یا تمرکز " فعالیتها گفته می شود. در ادبیات اقتصادی چند نوع ادغام وجود دارد که مهمترین آنها عبارتند از: " ادغام افقی "، " ادغام عمودی " و " ادغام در جهت جلو " که در جای جای این متن مورد استفاده قرار گرفته است.

پس از رسیدن به نتایج حاصله، فعالیت انجام گرفته را فوق العاده غیر اقتصادی می سازد.

برآورد می شود که میزان نفتی که از طریق دخالت های دولتی در سطح جهانی، وارد کشورها شده است، در خلال سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۱، به سرعت افزایش یافته است (از ۳ تا ۴ میلیون بشکه در روز به ۶/۸ تا ۷/۸ میلیون بشکه در روز). اما با شروع سال ۱۹۸۲، این روند با همان سرعتی که افزایش یافته بود به همان سطح ۳ میلیون بشکه در روز کاهش یافت. چنانچه آرامش موجود در بازار جهانی نفت همچنان ادامه یابد، مشهود است که در سالهای آتی از میزان دخالت های دولت هرچه بیشتر در جهت و به نفع بازرگانی آزاد نفت خام کاسته خواهد شد. با این حال، در صورت محدود شدن عرضه نفت در بازارهای جهانی، از سوی تولید کنندگان ایده دخالت دولت مجدداً "احیا خواهد شد، اگر چه مصرف کنندگان نفت ممکن است با دقت بیشتری تجربه تلخ اخیر خود را مورد ارزیابی قرار دهند. به هر حال در دهه "کنونی، جنبه" سیاسی بخشیدن به بازرگانی نفت جهان همچنان به صورت خصیصه، پوشیده، بازار بین المللی نفت باقی خواهد ماند.

تمرکز بر عملیات پالایش و توزیع

الغای سیستم اعطای امتیاز استفاده از نفت از سوی کشورهای تولید کننده، صنعت بین المللی نفت را تحت فشار قرارداد نا در عملیات پالایش و توزیع خود تعدیل ایجاد نماید، و خود را با میزان نفت کاهش یافته ای که به صورت امتیازی در کشورهای تولید کننده نفت در اختیار دارد، منطبق سازد. این فرایند با وقوع رکود عمومی تقاضا در کشورهای صنعتی تشدید و تسریع شد. در حالی که قبلاً "عملیات پالایش و بازاریابی شرکت های بین المللی نفت عمدتاً" وسیله ای بود جهت اطمینان از ادامه جریان نفت خام ارزان قیمت، از دست رفتن سهمیه تولید نفت این شرکتها در کشورهای تولید کننده نفت، توانایی آنها را جهت کمک مالی به بخش پالایش و توزیع خود از طریق سود حاصله از عملیات اکتشاف و تولید، کاهش داد. عملیات پالایش و توزیع نفت دیگر به عنوان یک بخش ضمیمه و ضروری اما غیر سودآور برای تولید نفت تلقی نمی شود، بلکه این بخش از نظر مشارکتش در کل سودآوری این صنعت به طور کلی، مورد ارزیابی واقع می شود.

شرکت های عمده بین المللی نفت به منظور انطباق فعالیت های خود با میزان نفت کاسته شده ای که در اختیار دارند و سودآوری کاهش یافته عملیات پالایش و توزیع، توانستند پارامترهای زیر را در سمت تقاضای معادله نفت، تغییر دهند: کاهش فروش نفت خام به شرکت های ثالث، کاهش میزان کار پالایشگاهها و فروش کمتر محصولات به مصرف کنندگان سبایی. در سمت عرضه این معادله نیز، این شرکتها از طریق سازماندهی مجدد میزان نفتی که به دست می آورند در مسیری که انعطاف پذیری آنان را افزایش دهد، خود را با تغییر شرایط فعالیت منطبق می سازند.

در کنار کاهش میزان فروش نفت خام به شرکت های ثالث از سوی شرکت های عمده نفتی جهان که، بدون ایجاد هیچگونه اخلاقی در ساختار عملیاتی آنها انجام پذیر بود، کاهش میزان فعالیت های پالایشگاهی،

به صورت خط مقدم دفاعی (شرکتهای عمده) در بخش پالایش و توزیع درآمد. کاهش سطح فعالیت‌های بازاریابی نفت این شرکتها (در مقام مقایسه) اولویت دوم را (در مجموعه اقدامات آنها) دارا بود. این مطلب را می‌توان از (مشاهده) اختلاف، سرعت تعدیلات انجام گرفته در بخشهای پالایش و بازاریابی این شرکتها استخراج کرد:

۱. میزان فعالیت پالایشگاهی هفت شرکت بزرگ نفتی جهان در خلال سالهای ۱۹۷۳ تا ۱۹۸۲، روزانه ۹/۳ میلیون بشکه یا (حدود) ۴۰ درصد کاهش یافت (جدول شماره ۲) مع هذا بحرمان سال ۱۹۷۹، برای مدت کوتاهی روند مزبور را معکوس نمود (افزایش ۵/۲ میلیون بشکه در روز برای سال ۱۹۷۹) ولی پس از این تاریخ، روند مذکور مجدداً "سیر نزولی به خود گرفت (۵/۷- میلیون بشکه در روز یا ۲۸ درصد کاهش، جدول شماره ۳). در سراسر دوره زمانی بعد از سال ۱۹۷۳ تا کنون، سرعت کاهش میزان نفت تحویل داده شده به پالایشگاههای هفت شرکت بزرگ نفتی جهان کمتر از کاهش میزان نفت خامی که آنان در اختیار داشته‌اند بوده است. اختلاف میان این دو نیز، از طریق کاهش فروش نفت خام به دیگران که به ۵/۵ میلیون بشکه در روز بالغ می‌شود (جدول شماره یک) تأمین شده است. اختلاف میان میزان نفت خام در دسترس و حجم فعالیت پالایشگاهها، اساساً "قبل از سال ۱۹۷۹ ظاهر شده بود، مع هذا پس از این تاریخ این دو رقم به هم نزدیک شدند. در مجموع، طی دهه گذشته، کاهش میزان کار پالایشگاهی شرکت‌های عمده بین‌المللی نفت، سه برابر سریعتر از کاهش تقاضای نفت کشورهای عضو سازمان همکاری اقتصادی و توسعه بود (۴۰- درصد در مقایسه با ۱۳- درصد). در نتیجه، سهم شرکت‌های مزبور در عملکرد فعالیت‌های پالایشگاهی این منطقه، از $\frac{2}{3}$ کل فعالیتها به $\frac{1}{4}$ کاهش یافت (جدول شماره ۳)

۲. در مقابل، میزان فروش فرآورده‌های نفتی از سوی این شرکتها با آهنگ کمتری کاهش یافت. با این حال، کاهش ۲۵٪ در این زمینه نیز، دو برابر سریعتر از کاهش کل تقاضا بود (جدول شماره ۳). قبل از سال ۱۹۷۹، در میزان فروش فرآورده نفتی شرکت‌های مزبور تغییرات غیر متعارفی صورت پذیرفت، مع هذا در خلال چهار تا پنج سال گذشته، فرآورده‌های فروخته شده با روند کلی تقاضا هماهنگ بوده است. طی دو تا سه سال گذشته، سهم هفت شرکت بزرگ نفتی جهان، در بازار منطقه OECD، در حد ۵۳ درصد این بازار تثبیت شده است (۴۰ درصد بازار جهان غیر از کشورهای کمونیست). بنابراین، این هفت شرکت، همچنان به عنوان داد و ستدکنندگان بسیار با اهمیت بازار محصولات نفتی باقی مانده‌اند.

در صورت بررسی بازار جهان (غیر از منطقه کشورهای کمونیست) ممکن است این برداشت به وجود آید که سهم بازاری هفت شرکت عمده نفتی در بازار فرآورده‌های نفتی، هنوز در حال کاهش است. دلیل این امر بسیار ساده است، زیرا بسیاری از کشورهای توسعه نیافته (شامل کشورهای عضو اوپک) یا شرکت‌های بزرگ بین‌المللی نفت مایل به حضور نیستند و یا اصولاً "از سوی انحصارات دولتی از حضور آنان در این

کشورها جلوگیری می‌شود

ثبات نسبی حضور شرکت‌های بین‌المللی نفت در بازار کشورهای منطقه OECD، طی چند سال گذشته، نتیجه تلاش‌های قابل توجهی است که تحت شرایط شدیداً رقابتی این بازارها، از سوی این شرکتها جهت حمایت از سهم خود انجام پذیرفته است.

اهمیت بخش پالایش

با وجود کاهش قابل توجه ظرفیت پالایش نفت در گذشته، فوری‌ترین مسئله‌ای که همچنان در برابر صنعت نفت مطرح است، ظرفیت مازاد پالایش نفت در جهان است. این امر به‌ویژه در مورد اروپای غربی صادق است، در عین حال که کشورهای ژاپن و ایالات متحده آمریکا کمتر درگیر آن هستند. سودآوری مستمر در این صنعت امکان‌پذیر نیست، مگر آنکه این ظرفیت مازاد شدیداً از بین برود. در کشور ژاپن، این صنعت از سال‌ها قبل با استفاده از روش خاص خود آنها به نام "راهنمای مدیریتی" (administrative guidance) در این مسیر حرکت می‌کند. در ایالات متحده نیز مسئله بی‌اهمیت‌تر از سایر نقاط بود. در میان کشورهای عضو جامعه اقتصادی اروپا، اگر چه قبلاً "یک چهارم ظرفیت پالایش تعطیل شده است، مع‌هذا مسائل باقیمانده به صورت یک امر فوق‌العاده باقی است. مروض قسمت اعظم دارایی‌های پالایشگاهی و بازاریابی به کشور کویت از سوی شرکت "گلف اویل"، به‌علاوه توافق شرکت شورون (CHEVRON) با شرکت "تکراکو" که مجاری بازاریابی اروپایی و پالایشگاه این شرکت را به دیگران تحویل داد، همه از نتایج سودآوری ضعیف بخش پالایش و بازاریابی این صنعت است.

علاوه بر عاطل‌گذاشتن مازاد ظرفیت تقطیر نفت، از طریق تبدیل ظرفیت پالایشگاهها جهت تقاضای نفت سبکتر، بازسازی بیشتر این پالایشگاهها در حال انجام است. اگرچه این فرایند در مسیر دلخواه قرار دارد، انجام مراحل بعدی این کار، مستلزم صرف هزینه‌های سرمایه‌ای بیشتری است، حجم وسیعی از تبدیل ظرفیت پالایشگاهی از گذشته در دست اقدام است که این امر به شرکت‌های نفتی این اجازه را می‌دهد که میزان فرآورده‌های نفتی سبک خود را در آینده افزایش دهند. سرمایه‌گذاران بهای مزبور، همچنین تأثیر فزاینده‌ای بر اعطاف‌پذیری این شرکتها در خرید نفت خام و سایر مایحتاج خود خواهد داشت و اعطاف‌پذیری از دست رفته آنان را در عملیات اکتشاف و تولید تا حدودی جبران می‌کند. اما هنوز، هیچ‌گونه تضمینی در اینکه این سیاست میزان سودآوری را بهبود خواهد بخشید وجود ندارد. این اقدامات ممکن است از طریق انجام تبدیل ظرفیت بسیار وسیعی که از سوی برخی از کشورهای عضو اوپک در حال برنامه‌ریزی است و بخشی از آن در حال انجام است، خنثی گردد.

انعطاف‌پذیری عرضه و بازارهای تک محموله‌ای نفت (خرده‌فروشی)

همان‌گونه که قبلاً توضیح داده شد، کاهش میزان نفتی که در دسترس شرکت‌های عمده نفتی قرار داشت، باعث کاهش سود بالقوه این شرکتها شد، و در مرحله کنونی مازاد عرضه نفت به صورت یکی از عوامل

مطلوب جهت انعطاف‌پذیری عرضه درآمده است، امروزه اکثر شرکتهای نفتی از چنان آزادی عملی در عدم خرید نفت خام از کشورهای صادرکننده نفت برخوردار هستند که قبل از این، هرگز از آن بهره‌مند نبودند. حتی زمانی که این شرکتها مالک و صاحب امتیاز نفت خام این کشورها شناخته می‌شدند، درست مثل زمانی که هرکل تولید نفت خام جهان کنترل داشتند، این شرکتها همواره از سوی دولت‌های کشورهای تولیدکننده شدیداً "تحت فشار بودند که تولید نفت را افزایش دهند. امروزه با توجه به ابعاد مختلف هزینه تولید، کاهش هرچه بیشتر آن بخش از نفت خامی که به موجب قراردادها تأمین می‌شود، مطلوب گشته است.

طی چند سال گذشته، این نقطه نظر که تأمین کردن نفت خام خوراک پالایشگاه از طریق عرضه مطمئن نفت حاصل از قراردادهای نفتی و سهمیه تولید در کشورهای تولیدکننده مطلوب است، تغییر کرده است. البته نظر شرکتها در این مورد با هم تفاوت‌هایی دارد. در عملیات شرکتهای بین‌المللی نفت، شرکت‌های بزرگ اروپایی و به ویژه گروه رویال داج شل، در مقایسه با شرکتهای آمریکایی اغلب از سیاست عرضه با تمرکز کمتر استقبال شده است. این امر به شرکتهای مربوط اجازه می‌دهد که به نحو مستقل‌تری عمل کرده و نسبت به خرید نفت خام و فرآورده‌های نفتی، خارج از سیستم عرضه مرکزی اقدام نمایند. امروزه، این ایده اگرچه به میزان کمتر و با وجود اختلاف قابل ملاحظه بین شرکتهای مختلف به وسیله شرکتهای بین‌المللی مستقر در ایالات متحد نیز به کار گرفته می‌شود.

اصل بهینه ساختن هزینه‌های استفاده از نفت خام، دوری جستن از قراردادهای بلند مدت و روی آوردن به بازارهای تک‌محموله‌ای و خرده‌فروشی نفت خام را حکم می‌کند. اگر خریداران محدودیت‌های عرضه نفت را پیش‌بینی نکنند، این شیوه عرضه بدترین انعطاف‌پذیری را ارائه می‌کند. ولی به دلایلی کاملاً متفاوت، طی سالهای ۱۹۷۹/۸۰ که عرضه نفت در بازار محدود شده بود، تمامی عاملین بازار نفت جهانی برای بستن قراردادها هجوم آوردند و بازار خرده‌فروشی نفت را خالی کردند.

تعدادی از شرکتهای عمده بین‌المللی نفت، پیش از این ۲۵ تا ۴۰ درصد عرضه نفت خام خود را (خارج از آمریکای شمالی) از طریق بازار تک‌محموله‌ای نفت تأمین کرده‌اند.

در آمریکای شمالی، یعنی جایی که بزرگترین شرکتهای نفتی هنوز هم سهم قابل ملاحظه‌ای تولید را دارا می‌باشند، سهم بازار تک‌محموله‌ای نفت همچنان پایین است. شرکتهای مستقل نفتی، به دلیل قلت حجم فعالیت‌های بین‌المللی پالایش و توزیع خود، سریعتر توانسته‌اند نیازهای خود را از بازار تک‌محموله‌ای نفت تأمین کنند.

در سطح جهان، حجم کل نفت خامی که به صورت تک‌محموله و خرده‌فروشی عرضه می‌شود از ۱ تا ۳ درصد در سال ۱۹۷۹، امروزه به $\frac{1}{3}$ نفت خام مورد دادوستد در جهان افزایش یافته است.

حجم عرضه نفت خام به صورت تک‌محموله‌ای همچنان در حال افزایش است، زیرا خریداران نفت خام از طریق قرارداد، نسبت به ارزش قراردادها با کشورهای عضو اوپک سرخورده‌اند. قراردادهای بلند مدت خریداران نفت با برخی از اعضای اوپک ارزش خود را از دست داد، زیرا تضمینی که از سوی این کشور در مورد عرضه نفت صورت گرفته بود وقتی در سالهای ۱۹۷۹/۸۰ به مرحله آزمایش درآمد، فاقد ارزش نشان داده شد. در نتیجه، دوری‌جستن از قراردادهای خرید بلندمدت نفت افزایش یافته و از سوی شرکت‌های نفتی نیز مورد حمایت قرار گرفته است. در بازارهای دارای مازاد عرضه امروز، یک پالایش‌کننده نفت به سادگی انعطاف‌پذیری و استفاده از بازار تک‌محموله‌ای نفت را هر جا که ارزانتر از قراردادهای بلندمدت است می‌خواهد. با این حال، نباید نتیجه گرفت که قراردادهای بلندمدت نفتی، کلاً از بین خواهد رفت، زیرا برای یک شرکت بزرگ، هم به دلیل ملاحظات استراتژیکی بلندمدت و هم به دلایل تدارکاتی، وجود ترتیباتی مبتنی بر مبانی بلندمدت همواره ضرورت خواهد داشت. اما سهم این نوع از قراردادها، به نفع داد و ستدهای کوتاه‌مدت و تک‌محموله‌ای کاهش یافته است. علاوه بر این، طول مدت قراردادها نیز به طور کلی کوتاه شده است و از ۹ ماه تجاوز نمی‌کند.

یکی دیگر از روش‌های افزایش انعطاف‌پذیری عرضه، کاهش سهم نفت خامی است که جهت پالایش روانه سیستم مربوط می‌گردد و در عوض، افزایش خرید محصولات نفتی از دیگران صورت می‌گیرد. طی سه سال گذشته، سهم واردات محصولات نفتی در کل عرضه نفت کشورهای عضو OECD، در مقیاس کلان، به نحو قابل توجهی، افزایش یافته است. بالایشگاه‌های صادراتی کشورهای عضو اوپک و کشور اتحاد جماهیر شوروی مقادیر روزافزونی از این فرآورده‌ها را روانه بازار کرده‌اند.

به طور کلی این روند اقتصاد کشورهای عضو OECD را می‌توان در سطح خرد نیز مشاهده کرد. در حالی که اختلاف میان نفت خام در دسترس و میزان فروش محصول نهایی از سوی شرکت‌های عمده نفتی - که اصطلاحاً "کل ترانز نفتی نامیده می‌شود - طی سه دهه ۱۹۷۰ مازاد وسیعی را نشان می‌داد، برای اولین بار این مازاد در سال ۱۹۸۱ منفی شد. پس از تاریخ مزبور، این کسری ترانز نفتی به سرعت روبه افزایش بوده است. حجم روزافزون فروش فرآورده‌های نفتی از سوی شرکت‌های عمده نفتی، به دلیل مقرون به صرفه بودن، به جای آنکه از تولیدات پالایشگاه‌های این شرکت‌ها تأمین شود، از طریق خرید این فرآورده‌ها از بازار آزاد انجام گرفته است. خالص رقم محصول خریداری شده هفت شرکت عمده نفتی جهان از سایرین در سال ۱۹۷۹، ۲/۸ میلیون بشکه در روز بود که این رقم در سال ۱۹۸۲ به ۴/۴ میلیون بشکه در روز افزایش یافت (جدول شماره ۳). اگرچه در گذشته، میزان فرآورده‌های نفتی خریداری شده در بازار نفت به دنبال تغییرات وضع بازار در نوسان بود ولی این میزان اخیراً از نظر تاریخی به بالاترین سطح خود رسیده است.

برای هفت شرکت عمده نفتی جهان این رقم، به ۲۳٪ کل رقم فروش فرآورده‌های نفتی آنان بالغ می‌شود. طی دوره وجود مازاد عرضه نفت در گذشته (۱۹۷۴ تا نیمه اول سال ۱۹۷۸) سطح این خریدها تنها ۱۵ درصد افزایش یافت.

در مجموع، بازار تک محموله‌های نفت خام ویژگی خود را به عنوان منبع نهایی تأمین عرضه نفت از دست داده و به صورت بخش عمده‌ای از جریان اصلی عرضه نفت مبدل گشته است.

بعضی از دولت‌ها استدلال کرده‌اند که در شرایط کمبود عرضه نفت در بازار طی سالهای ۱۹۷۹/۸۰، بازار تک محموله‌های نفت خام به سفته‌بازی قیمت‌ها و بازار نفت کمک نمود. به غیر از این واقعیت که بازار تک محموله‌های نفت خام معلول خرید شدن عرضه بود نه علت آن، روند کنوسی افزایش حجم معاملات در این بازار، به بی‌اعتباری آن منتهی افزایش آن. بازرگانی روزافزون تک محموله‌های نفت خام و محصولات نفتی، و نیز گسترش سریع بازار نفت اروپا و آمریکا در آینده، به کارایی بازار برای غلبه بر طبیعت رودگذر اختلاف فصلی و منطقه‌ای عرضه و تقاضای نفت کمک خواهد کرد.

طی چند سال گذشته به نحو رو به تزایدی، سیاستهای عرضه تحت تأثیر و تسلط ضرورت کاهش کل هزینه‌های عرضه و انطباق آن با درآمدهای محصول به فروش رفته قرار داشته‌است. میزان هزینه‌های اضافه‌ای را که شرکتهای نفتی مایلند و قادر هستند جهت تضمین عرضه نفت تقبل کنند، کاهش یافته‌است. امادر حال حاضر، حتی دولتها نیز، بسیار راحت‌تر از چند سال گذشته به بررسی موضوع تضمین عرضه نفت مشغول هستند. این امر از فعالیتهای آنان در سازمانهای بین‌المللی مانند سازمان بین‌المللی انرژی (IEA) که جهت ارائه واکنشی هماهنگ در مقابل بحران عرضه نفت تأسیس شده‌است، استنباط می‌شود.

برگشت مجدد به تأمین عرضه نفت از طریق سهمیه تولید

علی‌رغم موقعیت سهل‌الحصول اخیر بازار نفت، سیاست سرمایه‌گذاری شرکتهای عمده نفتی، حاکم بر باقی‌مانده برای (بخشی از) میزان نفت وسیعی که با لغای سیستم امتیاز استفاده از نفت از دست داده‌اند، تعیین می‌کند. این هدف عمدتاً با تمرکز سرمایه‌گذاری در کشورهای منطقه OECD انجام می‌پذیرد.

طی چند سال اخیر، ترکیب منابع تأمین نفت خام (این شرکتهای) به نفع تأمین عرضه مطمئن نفت از کشورهای OECD تغییر کرده‌است. رقم این عرضه برای هفت شرکت عمده نفتی جهان به طور کلی، در سال ۱۹۷۸ و ۱۹۸۰ به ترتیب ۲۲٪ و ۲۹٪ کل عرضه آنان را شامل می‌شود که این رقم در سال ۱۹۸۲، به ۳/۸ درصد افزایش یافته‌است (جدول شماره ۱). این امر (از یک سو) کاهش نقش کشورهای عضو اوپک را به عنوان منبع اصلی تأمین نفت جهان و کاهش غیر متعارف موقعیت شرکتهای عمده نفتی را در برخی از کشورهای تولیدکننده نفت (نظیر ایران، عراق، کویت و نیجریه) (از سوی دیگر) منعکس می‌سازد.

اگر چه ضعف اخیر قیمت نفت تا حدودی، باعث کاهش تأمین مالی طرحهای نفتی پرخرج واقع در فلات قاره شده‌است، اما به دلیل تمرکز منطقه‌ای شدید عملیات اکتشاف و هزینه‌های سنگین تولید نفت در کشورهای غربی به‌طور کلی و کشور آمریکا به‌طور خاص، این احتمال وجود دارد که تأکید مجدد بر مناطق نفتی‌ای که از نظر سیاسی مطمئن هستند، ادامه یابد.

اهمیت روبه افزایش عرضه نفت کشورهای منطقه OECD کمک کرده است تا شرکتهای بین‌المللی از کاهش برداشت نفت سهمیه‌ای خود از کشورهای تولید کننده، به‌طور مطلق، جلوگیری کنند. به‌طور نسبی، طی دو سال گذشته، حجم نفت حاصل از سهمیه تولید این شرکتها نسبت به کل عرضه نفت در سطح بالاتری تثبیت شده است. میزان برداشتهای سهمیه‌ای نفت شرکتهای عمده بین‌المللی نسبت به کل عرضه آنها، بعد از کاهش شدید، از ۸۵ درصد سال ۱۹۷۳ به ۳۴ درصد، در سال ۱۹۷۹/۸۰، اخیراً و به تدریج، تا سطح ۴۳ درصد افزایش یافته است (جدول شماره ۱).

اگرچه از نقطه نظر شرکتهای عمده نفتی سهم برداشتهای سهمیه‌ای نفت آنها، هنوز کمتر از میزان مطلوب عرضه ارزان و مطمئن نفت تلقی می‌گردد، مع‌هذا، تغییر جهت روند گذشته به نوبه خود درخور توجه است.

از آنجا که تولید نفت کشورهای منطقه OECD هنوز در کنترل کامل شرکتهای نفتی قرار دارد، از ظرفیت کامل آن استفاده می‌شود. این امر، برای نفت مناطق پرهزینه دریای شمال و نفت مناطق فلات قاره آمریکا شمالی از اهمیت خاصی برخوردار است. در یک منطقه با هزینه بالا صرف در آن است که تولید با ظرفیت کامل صورت پذیرد و قیمتها به نحو کافی پایین نگاهداشته شود تا بهره‌گیری کامل از سهولت موجود تضمین گردد. در نتیجه در سطح جهان تولیدکنندگان منطقه OECD تعدیل کنندگان قیمت هستند در حالی که، کشورهای اوپک بالا حباب، نقش تعدیل کنندگان حجم نفت را در بازار جهانی به عهده گرفته‌اند.

گزینش تعهدات

ایده ادغام عمودی فعالیتها به علت دو عاملی که قبلاً اشاره شد اهمیت خود را از دست داده است.

۱ - کاهش دسترسی به نفت خام ارزان قیمت بیش از نیازهای مصرفی پالایشگاهها و بازاریابی شرکتها.

۲ - ضرورت بهبود سودآوری در بخش پالایش و توزیع.

فشار ناشی از جبران سود بالقوه از دست رفته در عملیات پالایش و توزیع نفت، موجب احیای ایده معروف "مراکز سود در مدیریت" شد. هر یک از مراحل بازرگانی نفت در حال حاضر از نقطه نظر سهم و مشارکتش در سودآوری کل این صنعت، به ویژه در مرحله پالایش و بازاریابی، مورد مذاقه قرار می‌گیرد. مع‌هذا، این روش کار، فکر برقراری ادغام عمودی فعالیتها را به طور کلی بی اعتبار نمی‌سازد. اولاً "هنوز، تا حدودی برای عاملانی که به طور همه جانبه در این صنعت فعال هستند صرفه جوییهای

مقیاس وجود دارد. ثابا"، یک فعالیت اقتصادی یکپارچه تا حدودی ریسک عملیاتی گوناگون وتوزیع شده‌ای را عرضه می‌نماید. ثالثاً "هنوز، در میان کشورهای منطقه OECD میزان قابل توجهی از عرضه نفت به صورت سهمیه‌ای باقی مانده است. به همین دلیل، شرکت‌های نفتی، در هر صورتی بازارهای فروش خود را حفظ خواهند کرد.

دورنمای کاهش رسد سراسری در بازار و افزایش رقابت در آن، ارزیابی هر مرحله از یک بازرگانی ادغام شده را حداکثر و با توجه به اهمیت و توانایی خاص آن ایجاب می‌کند. مع هذا، این لزوماً به این معنی نیست که هر یک از این اجزا بتوانند خود به تنهایی به عنوان یک واحد عمل کننده در آید. بلکه، بررسی دقیق هر یک از مراحل و مناطق فعالیت به تنهایی بیشتر نوعی وسیله کنترل هزینه‌ای است تا ربر سوال بردن کل ایده ادغام فعالیتها.

به عنوان یک بارگیری دقیق از سودآوری مرحله پالایش و توزیع، کلیه شرکت‌های نفتی به دقت حضور منطقه‌ای خود را مورد مداقه و توجه قرار می‌دهند. علی‌رغم آنکه، برخی از شرکت‌های نفتی پیش از این، فعالیت خود را در بعضی از مناطق پایان داده‌اند (مثلاً در دهه ۱۹۷۰ شرکت‌های بی پی و شل به فعالیت‌های خود در ایتالیا پایان دادند)، ولی چگونگی برخوردی که در این میان انتخاب شده است، در بسیاری در حال محدود شدن که بی‌شک محل کمتری جهت حضور همه رقبا دارد. از اهمیت بیشتری برخوردار بوده است یک نمونه از مناطقی که خروج بیشتر شرکتها از بازار منطقه‌ای آن دیده شده است، می‌توان انتظار وقوع محدود آن را داشت، اروپای غربی است. اما حتی در ایالات متحد آمریکا نیز بعضی از شرکت‌های بزرگ و مستقل به فعالیت‌های خود در برخی ایالات و مناطق پایان داده‌اند.

شرکت‌های سن المللی در برابر بازارهایی ملزم و متعهد باقی می‌مانند که در آن بازارها در بلندمدت سود حاصل می‌کنند. سواست انتظار بازده قابل قبولی از سرمایه‌گذاری خود داشته باشند. بنابراین، دولت‌های کشورهای مصرف کننده باید این موضوع را درک کنند که تعهدات شرکت‌های بین المللی در برابر بازارهای این کشورها، به میزان زیادی در مقایسه گذشته به جارجوب اقتصادی آنان بستگی دارد. پس جلوگیری از هرج و مرج‌های اداری توسط دولتها از اهمیت زیادی در این خصوص برخوردار است مگر آنکه علی‌رغم حادیه اندک فعالیت‌های مربوطه و ضعف بازارها از یک سو و کسریهای بودجه عظیم از سوی دیگر، این دولتها نخواهند نقش بسزایی را در عرضه نفت به عهده بگیرند.

ادغام در جهت جلو و منبع پالایش

ادغام این نوع شرکت‌های نفتی دولتی کشورهای تولید کننده در بازارهای کشورهای صنعتی "مطلقاً" نتیجه مجموعه حوادث بی دربی است. تعدادی از کشورهای تولید کننده نفت در جستجوی راه‌های جهت حفظ بازارهای نفت خام خود برای دوره‌هایی که بازار دچار ماراد عرضه نفت است،

می باشد. همان کاری که شرکت‌های بین المللی نیز یکبار انجام داده اند. در حالی که شرکت‌های نفتی، اعم از کوچک و بزرگ در کشورهای منطقه (OECD)، درگیر مسائل مربوط به ظرفیت مازاد و عدم تکافوی بارده فعالیت‌های پالایش و توزیع خود هستند.

در بازار بدون روسی اروپا، دارایی‌های پالایشی و بازاریابی جهت فروش یافت می شود. فروشندگان این نوع دارایی‌ها، شرکت‌های عمده نفتی نیستند، بلکه شرکت‌های مستقلی هستند که در آمریکا یا در اروپا مستقر هستند. بدیهی است که به دلیل وجود هزینه‌های بالاسری (ثابت) بسیار بالایی که باید تأمین شود، حجم عطیبات از اهمیت زیادی برخوردار شده است. از این نقطه نظر، فروش دارایی‌های پالایشی و بازاریابی اروپایی دو شرکت گلفاویل و سورون، دارای اهمیت کمتری بودند. با این حال، در آینده حضور شرکت‌ها در بازارهای جهان، بدون توجه به بزرگی آنها، به میزان تأثیر آنها در هر مرحله از دادوستد نفت بستگی خواهد داشت.

این تصمیم که یک شرکت نفتی خود را از یکی از بازارهای منطقه OECD خارج نماید در مرحله نخست، از محدود شدن بازار منج می شود که محلی جهت مشارکت همه باقی نمی گذارد. اگر دارایی‌های قابل صرف، از سوی یک کشور تولیدکننده نفت خام به تملک درآید، فرایند ضروری محدود شدن بازار متوقف می شود. جدا از این واقعیت که حسن بازران به خودی خود، حتی برای یک کشور "ترومسد" تولیدکننده نفت خام نیز فرصت حالی نیست، فرایند محدود شدن بازار را نمی توان برای همیشه متوقف کرد.

میران دارایی‌های بالقوه‌ای که در بین کشورهای عضو اوپک در معرض فروش قرار داد، زیاد نیست. حداکثر ظرفیت پالایشی معادل ۲ تا ۳ میلیون بشکه در روز و ظرفیت بازاریابی‌ای معادل همین رقم. بنا بر این، کشورهای منطقه خلیج فارس نمی توانند دارایی‌های ضروری جهت حفظ حداقل بازاریابی فروش ۶ تا ۸ میلیون بشکه در روز خود را خریداری کنند.

علاوه بر این، این بالاستگاهها در رقابت با صادرات مستقیم نفت خام این کشورها نیز قرار دارند، این مشکل، ممکن است منجر به اتحاد روشهای احتیاط آمیزتری از سوی کشورهای تولیدکننده جهت کسرس این نوع ادغام خود در کشورهای مصرف کننده نفت گردد.

اما منافع کشورهای تولیدکننده نفت نیز با یکدیگر متفاوت است. کشور کویت تنها کشور عضو اوپک است که قادر است کل محصول نفت خام خود را در داخل یا خارج از کشور خود، پالایش کند، بنابراین - این کشور، اختلاف میان قیمت نفت خام و قیمت فرآورده‌های نفتی را از زاویه دیگری مورد توجه قرار می دهد. به غیر از این مورد، ادغام و مشارکت تولیدکنندگان نفت در امر پالایش کشورهای مصرف کننده، احتمالاً ابزار اساسی‌ای جهت عرضه و فروش نفت از سوی آنان نخواهد بود. علی رغم آنکه همس اختلاف قیمت میان نفت خام و فرآورده‌های نفتی برای آن بخش از فرآورده‌های نفتی که مستقیماً

(میلیون بشکه در روز)

جدول شماره (۱۱) نرخ نفی و مصرف آن توسط هیئت شرکت عمده بین المللی نفت

تفصیلات	۱۹۸۲		۱۹۸۱		۱۹۸۰		۱۹۷۹		۱۹۷۸		۱۹۷۳		نفت خام در دسترس شرکتها
	۱۹۸۲/۸۰	۱۹۸۲/۷۸	۱۹۸۲/۷۳	۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۳	۱۹۷۲	۱۹۷۱	۱۹۷۰	
۱- بر حسب منطقه:													
- خارج از منطقه OECD	-۴/۴	-۸/۱	-۱۴/۸	۱۵/۳	۱۸/۳	۱۹/۶	۲۳/-	۲۳/۳	۲۳/۳	۳۰/-			
- در منطقه OECD	-۴/۵	-۸/۷	-۱۵/۵	۹/۵	۱۳/۷	۱۴/-	۱۷/۷	۱۸/۲	۲۵/-				
۲- بر حسب نوع برداشت	۰/۱	۰/۶	۰/۷	۵/۷	۵/۶	۵/۶	۵/۳	۵/۱	۵/-				
- سهمیه شرکتها در تولید	۰	-۲/۹	-۱۸/۸	(۶/۷)	(۶/۸)	(۶/۷)	(۷/۸)	(۹/۶)	(۲۵/۵)				
- نفت امتیازی آرا مکو				(۴/-)	(۶/۶)	(۷/۵)	(۴/۴)	(۳/۶)					
- کنترسوم ایران				-	-	-	-	(۴/۱)					
- جمع				۱۵/۷	۱۳/۴	۱۴/۲	۱۳/۲	۱۷/۳	۲۵/۵				
- سایر خریدها				۴/۵	۴/۹	۵/۲	۱۰/۸	۶/-	۴/۵				
مصرف نفت خام شرکتها				۱۵/۲	۱۸/۳	۱۹/۶	۲۳/-	۲۳/۳	۳۰/-				
۱- فروش به سایر شرکتها	۰/۴	-۲/۵	-۵/۵	۱/۲	۱/-	۰/۸	۱/۹	۲/۷	۶/۷				
۲- فعالیت پالایشگاهی	-۳/۹	-۵/۵	-۹/۳	۱۴/-	۱۵/۹	۱۷/۹	۱۹/۷	۱۹/۵	۲۳/۳				
۳- سایر مصارف				-	۱/۴	۰/۹	۱/۳	۰/۱	-				
سهام:													
- سهمیه تولید در کل نفت در دسترس	۹	۲	-۴۲	۴۳	۳۷	۴۴	۴۴	۴۱	۸۵				
- منطقه OECD در کل نفت در دسترس	۹	۱۶	۱۸	۳۸	۳۱	۳۹	۳۳	۳۲	۲۰				
- آورده غیر پیداری شد مد رکل فروش محصولات نفتی	۹	۸	۱۷	۲۳	۱۸	۱۴	۱۳	۱۵	۶				
- عرضه نفت جهان غیر کنترسوم در کل عرضه نفت	-۴	-۱۱	-۲۵	۳۷	۴۱	۴۱	۴۵	۴۸	۶۲				

(درصد)

سهام:

- سهمیه تولید در کل نفت در دسترس
- منطقه OECD در کل نفت در دسترس
- آورده غیر پیداری شد مد رکل فروش محصولات نفتی
- عرضه نفت جهان غیر کنترسوم در کل عرضه نفت

نوعه: نفت خام. میزان کار بالاسکالینا: فروش فرآورده های نفتی سرکشیای عمده: نفتی جهان (میلیون بشکه در روز)

تغییرات	۱۹۸۲/۷۸		۱۹۸۲/۷۳		۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۳		
	۱۹۸۲/۷۸	۱۹۸۲/۷۳	۱۹۸۲/۷۳	۱۹۸۲/۷۸								
-۸/-	-۱۴/۸۲	۱۵/۱۸	۱۸/۲۹	۱۹/۶۳	۲۳/۵۲	۲۳/۱۸	۲۵/-	۱- نفت خام موجود				
-۵/۵۲	-۹/۲۶	۱۴/۵۱	۱۵/۹۴	۱۷/۹۳	۱۹/۷۱	۱۹/۵۳	۲۳/۳	۲- کار پالایشگاهها				
-۲/۴۸	-۵/۵۳	۱/۱۷	۲/۳۵	۱/۷۱	۳/۲۵	۳/۶۵	۶/۷	۲-۱- تراز پالایش				
-۴/۳۵	-۶/۲۳	۱۸/۵۷	۱۹/۵۷	۲۵/۴۵	۲۳/۳۱	۲۳/۴۲	۲۴/۳	۳- فروش فرآورده				
-۳/۶۵	-۸/۵۹	-۲/۸۹	۵/۷۸	۵/۸۲	۵/۷۱	۵/۷۶	۵/۷	۳-۱- تراز کل نفت				
-۴/۸۷	-۸/۵۱	۸/۳۹	۱۱/۶۵	۱۲/۳۵	۱۳/۳۷	۱۳/۱۶	۱۶/۳	۱- نفت خام موجود				
-۳/۵۶	-۵/۵۴	۸/۴۶	۹/۸۵	۱۵/۸۴	۱۱/۵۱	۱۱/۵۱	۱۳/۵	۲- کار پالایشگاهها				
-۱/۸۵	-۲/۹۷	-۵/۱۷	۱/۷۵	۱/۴۶	۱/۹۶	۱/۶۸	۲/۸	۱-۲- تراز پالایش				
-۲/۸۷	-۳/۹۱	۱۵/۵۹	۱۱/۵۷	۱۲/۴۱	۱۳/۳۵	۱۳/۴۶	۱۴/۵	۳- فروش فرآورده				
-۲/-	-۴/۱۵	-۲/۳۵	-۵/۵۳	-۵/۱۱	۵/۱۷	-۵/۳۵	۱/۸	۱-۲- تراز کل نفت				
-۲/۳۵	-۴/۵۷	۶/۱۳	۵/۶۵	۶/۱۱	۷/۸۲	۸/۴۳	۱۵/۷	۱- نفت خام موجود				
-۱/۷۲	-۳/۲۸	۴/۵۳	۴/۹۶	۵/۶۹	۶/۵۱	۶/۲۴	۷/۸	۲- کار پالایشگاهها				
-۵/۵۸	-۱/۲۹	۱/۶۱	۵/۶۹	۵/۴۲	۱/۳۲	۲/۱۹	۲/۹	۱-۲- تراز پالایش				
-۵/۹۸	-۱/۷۵	۶/۳۵	۶/۳۱	۶/۶۹	۷/۳۳	۷/۲۸	۸/-	۳- فروش فرآورده				
-۱/۳۳	-۲/۸۷	-۵/۱۷	-۵/۶۶	۵/۵۸	۵/۴۹	۱/۱۵	۲/۷	۱-۲- تراز کل نفت				

عامل:

آرامکو

شرکت های عمده اروپایی

جدول شماره (۳)

شاخصها تغییرات عملیات پالایش و توزیع

درصد تغییرات	درصد تغییرات			۱۹۸۲	۱۹۸۱	۱۹۸۰	۱۹۷۹	۱۹۷۸	۱۹۷۳	واحد	
	۱۹۸۲/۸۰	۱۹۸۲/۷۸	۱۹۸۲/۷۳								
-۷	-۱۰/-	-۳/-	۴۵/۷	۴۷/۳	۴۹/۳	۵۱/۶	۵۰/۹	۴۷/۹	۴۷/۹	میلیون بشکه در روز	۱- کل بازار نفت: تقاضای نفت (۱) جهان
-۱۱	-۱۷	-۱۳	۳۴/۴	۳۶/۳	۳۸/۵	۴۱/۶	۴۰/۹	۳۹/۷	۳۹/۷	"	منطقه OECD فعالیت پالایشگاهها (۱) جهان
-۱۰	-۱۲	-۸	۴۱/۹	۴۴/۲	۴۶/۶	۴۸/۷	۴۷/۸	۴۵/۷	۴۵/۷	میلیون بشکه در روز	۲- شرکتهاى عمده نفتى: فعالیت پالایشگاهها (۱) جهان
-۱۴	-۱۸	-۱۷	۲۸/۶	۳۰/۶	۳۳/۲	۳۵/۶	۳۵/-	۳۴/۳	۳۴/۳	منطقه OECD	منطقه OECD
-۲۲	-۲۸	-۴۰	۱۴/-	۱۵/۹	۱۷/۹	۱۹/۷	۱۹/۵	۲۳/۳	۲۳/۳	میلیون بشکه در روز	سهم در کل فعالیت پالایشگاهها: (۱) جهان
-۵	-۸	-۱۸	۳۳	۳۶	۳۸	۴۱	۴۱	۵۱	۵۱	%	منطقه OECD
-۵	-۶	-۱۹	۴۹	۵۲	۵۴	۵۶	۵۶	۶۸	۶۸	%	منطقه OECD
-۱۱	-۱۹	-۲۵	۱۸/۱	۱۹/۱	۲۰/۴	۲۲/۳	۲۳/۴	۲۴/۳	۲۴/۳	میلیون بشکه در روز	کل فروش فرآورده نفتی از محل: تولید پالایشگاههای خود شرکتهاى نفتى خالص فرآوردههای خریداری شده سهم در فروش فرآوردههای نفتی: (۱) جهان
-۲۲	-۲۸	-۴۰	(۱۳/۷)	(۱۵/۶)	(۱۷/۶)	(۱۹/۵)	(۱۹/۱)	(۲۳/۹)	(۱/۴)	"	منطقه OECD
۵۷	۳۳	۲۱۴	(۴/۴)	(۳/۵)	(۲/۸)	(۲/۸)	(۳/۳)	(۱/۴)	(۱/۴)	"	منطقه OECD
-۱	-۲	-۱۱	۴۰	۴۱	۴۱	۴۳	۴۴	۵۱	۵۱	%	منطقه OECD
۰	-۲	-۸	۵۳	۵۳	۵۳	۵۴	۵۵	۶۱	۶۱	%	منطقه OECD

(۱) - به استثنای منطقه کشورهای کومنیست

از سوی کشورهای تولیدکننده صادر می‌گردد نیز، وجود دارد، منافع توسعه ممکن است همچنان از اثر منفی بالقوه بر قیمت‌های نفت خام مهمتر باشد.

تأثیر فرآورده‌های پالایش شده در محل تولید، بر بازارهای کشورهای صنعتی به دو عامل حجم فرآورده و قیمت آن بستگی دارد. تخمین‌های مربوط به صادرات فرآورده‌های اوپک در آینده، مبتنی بر حدسیات است. دامنه‌این تخمینها - در رابطه با سرعت فرض شده برای گسترش برنامه، میزان بهره‌گیری از پالایشگاهها و رشد تقاضای داخلی نفت آنها - بین صفر و ۳ میلیون بشکه در روز در سال ۱۹۹۰ (با ۲/۳ تا ۲/۷ میلیون بشکه در روز به عنوان بهترین تخمین) - در مقایسه با تقریباً " ۲ میلیون بشکه در روز برای سال ۱۹۸۲ را، می‌پوشاند. اگر چه این حجم از صادرات فرآورده‌های نفتی متضمن ایجاد نوعی بی‌نظمی در بازارهای کشور صنعتی است، این احتمال بیشتر است که روش بازاریابی محتاطانه‌ای اتخاذ شود، چرا که این امر درآمدهای جاری نفتی را به حداکثر می‌رساند.

INTERECONOMICS MARCH/APRIL 1984



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی